

چالشهای فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی

(مورد مطالعه استان کرمانشاه ۱۳۹۳)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۴/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۱

نوذر امین صارمی^۲ و امیر همتی^۳

چکیده

زمینه و هدف: بد حجابی از پدیده‌های اجتماعی است که نیروی انتظامی مسئولیت اصلی کنترل آن را بر عهده دارد. این موضوع با توجه به ماهیت و ابعاد آن، مشکلات و چالشهایی را به ویژه در سطح فرماندهان و مدیران انتظامی استانها ایجاد می‌کند که این تحقیق با هدف شناسایی و بررسی این چالشها (در فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه) شکل گرفته است.

روش: نوع تحقیق، کاربردی و روش توصیفی، پیمایشی است. جامعه آماری شامل فرماندهان و جانشینان انتظامی، رؤسای پاوا و امنیت اخلاقی استان و شهرستانهای تابعه استان کرمانشاه است. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین گروه‌ها صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. برای تحلیل داده‌ها آزمونهای آمار توصیفی، مانند جدول فراوانی و استنباطی مانند کای اسکوتر و آزمون فریدمن استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد اهمیت چالشهای فرماندهان و مدیران در استان کرمانشاه در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی به ترتیب: چالش اجتماعی، چالش بین‌سازمانی، چالش حقوقی و قانونی و چالش سازمانی است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های تحقیق لازم است مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه عمدتاً باید معطوف به برطرف کردن چالشهای اجتماعی مانند تعامل ضعیف نهادهای آموزشی، مدارس و خانواده‌ها با نیروی انتظامی این استان باشد.

واژگان کلیدی: بدحجابی، چالش‌های فرماندهان، مدیریت انتظامی، آسیب‌شناسی اجتماعی، کنترل اجتماعی.

□ استناد: صارمی، امین؛ همتی، امیر (پاییز، ۱۳۹۴). چالشهای فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی (مورد مطالعه استان

کرمانشاه ۱۳۹۳). *فصلنامه مطالعات مدیریت/انتظامی*، ۱۰ (۳)، ۴۶۷-۴۸۳.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشکده فرماندهی ستاد است.

۲. استادیار دانشگاه، علوم انتظامی امین (نویسنده مسول) com.naminsaremi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

پدیده بد حجابی سالهاست که به عنوان آسیبی اجتماعی در سطح جامعه مطرح است و اصلاح و ترمیم آن نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست‌های اجتماعی است که از طریق نظام کنترل اجتماعی به صورت غیر رسمی و رسمی باید مدیریت و نظارت شود. مسئولیت اصلی نظارت رسمی بر اساس قوانین موجود، بر عهده نیروی انتظامی قرار گرفته است. البته مقوله حجاب و عفاف با توجه به ماهیت آن به عوامل بسیاری ارتباط دارد و مدیریت آن هم به متولیان متعدد حاکمیتی و اجتماعی برمی گردد، که البته وظایف و مسئولیتهای هیچ یک به صراحت مشخص نشده است. در عین حال که چندین دستگاه مسئول و ذی ربط (حدوداً ۲۶ دستگاه) در این زمینه وجود دارند و ظاهراً به فعالیت مشغول اند، در واقع هیچ متولی معین و پاسخگوی مشخصی برای این موضوع وجود ندارد. در این فرایند پلیس بیش از هر نهاد دیگری درگیر این موضوع است. همه مردم از پلیس انتظار دارند که ضمن پیشگیری از جرایم اجتماعی، تدابیر لازم را در شناسایی و برخورد با متخلفان و هنجار شکنان اخلاقی به ویژه بدحجابی و بی حجابی به کار گیرد.

استان کرمانشاه نیز به واسطه برخورداری از مواهب طبیعی و تاریخی و وجود جاذبه‌های توریستی بیستون، طاق بستان، غار قوری قلعه و... یکی از قطبهای گردشگری غرب کشور، سالیانه پذیرای صدها هزار نفر گردشگر است که هر کدام از آنان با فرهنگها و آداب و رسوم متفاوت و خرده فرهنگ‌های متنوع با نوع پوششی خاص در شهر کرمانشاه حضور می‌یابند. حضور بانوان با سلیقه‌ها و آداب و رسوم و هنجارهای متفاوت در کنار علل دیگر مانند وجود شهرکهای اقماری، هم مرز بودن با عراق و حریم کردستان عراق، تاثیر شبکه‌های ماهواره ای و شیخون فرهنگی و... باعث تشدید پدیده بد حجابی در این شهر شده است. اهمیت تحقیق در آن است که مدیریت این پدیده در گرو استخراج خطوط کلی و راهبردهای عملیاتی و بررسی چالشهای آن بوده و انجام مطالعات علمی در این زمینه به کنترل بد حجابی و رفع موانع و مشکلات، کمک مؤثری می‌کند. روند رو به رشد ناهنجاری‌های پوششی در جامعه به ویژه در کلان شهری مانند کرمانشاه موجب دغدغه‌هایی برای فرماندهان و مدیران انتظامی شده است. در این باره پلیس به عنوان مهمترین نهاد حافظ نظم و امنیت اجتماعی وظیفه دارد موارد ناهنجار این پدیده را کنترل کند و کنترل

آن مستلزم شناخت ابعاد و زوایا و روندها و تغییرات، سازکارها و شیوه‌ها، قواعد و مقررات و تدوین راهبردهای مؤثر و کاربردی مدیریت این پدیده اجتماعی است. در سالهای اخیر شاهد موانع و چالشهای عمده و عدیده‌ای در بحث مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی توسط نیروی انتظامی هستیم. شناسایی و بررسی دقیق این چالشها می‌تواند ما را در مهار این پدیده یاری کند تا بتوانیم آنها را برطرف کنیم. سؤال اصلی تحقیق نیز در همین جهت شکل گرفته است: چالشهای (سازمانی، بین‌سازمانی و اجتماعی) فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه چیست و میزان آن چقدر است؟

مبانی نظری

نظام کنترل اجتماعی و حجاب: به زعم استاد شهید مطهری واژه «حجاب» از نظر لغوی به معنای پوشیدن، پرده و پردگی است که کاربرد آن درباره «پوشش زن» در عصر حاضر شایع شده است و در اصطلاح رایج فقهی کلمه «ستر»، به معنی «پوشش» است که در مورد پوشش زن در هنگام نماز و غیر نماز استفاده شده است. مفاد آیات ۳۰ و ۳۱ سوره ی نور که آیات اصلی مربوط به تکلیف پوشش است، در واقع مربوط به وظایف زن و مرد در معاشرت (ارتباط) با یکدیگر است. البته مسئله حجاب اختصاص به اسلام ندارد بلکه در ادیانی مانند دین زرتشت، دین مادها و آشوریها و دین یهود (در کتاب تورات) نیز وجود داشته است (حسینی ۱۳۸۹: ۱۱۴). از منظر فرهنگ، هنجارها و به ویژه قوانین، رعایت عفاف و حجاب از اصول اساسی نظم اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌شود. اساساً در سلامت و امنیت هر جامعه عواملی نقش دارند که رعایت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از این عوامل وجود نظم اجتماعی در جامعه است؛ نظم اجتماعی تنها در صورت تحقق یک نظام کنترل اجتماعی مؤثر، امکان پذیر است. نظام کنترل اجتماعی عبارت است از ابزار کنترل رفتار مردم در کانالهای مقبول و مورد انتظار جامعه. کنترل اجتماعی با جریان «جامعه پذیری» که تأمین‌کننده هم‌نوایی در جامعه است آغاز می‌شود. جایی که جامعه پذیری نمی‌تواند هم‌نوایی کافی را تعهد کند، ابزار دیگر کنترل اجتماعی لازم می‌آید (کورنلوس، ۱۹۹۹، ۲۱۲)

حجاب نوعی هنجار اجتماعی تلقی می‌شود. اساساً هنجارها قواعد رفتاری هستند که رفتار مناسب در محدوده معینی از زمینه‌های اجتماعی را مشخص می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۸۳). جامعه مجبور است هنجارهایش را از طریق مجازات‌ها یعنی تشویق برای هم‌نوایی یا تنبیه برای کج رفتاری اعمال کند. به کار گرفتن مجازات‌های مثبت نشان دهنده این است که نظام کنترل اجتماعی به طور مؤثری برقرار است و مردم انتظاراتی را که دیگران از ایشان دارند، به جای می‌آورند؛ اما اعمال مجازات‌های منفی، موفقیت نبودن نظام کنترل اجتماعی و بروز کج رفتاری و آسیب را اعلام می‌دارد. هرگاه مجازات‌های غیررسمی منفی کارگر نیفتد « نظیر تغییر، قهر کردن، روی گرداندن و... » مجازات‌های رسمی اعمال می‌شوند. عوامل استعمال مجازات‌های منفی رسمی عبارت اند از: پلیس، دادگاه، زندان و آژانس‌های رفاه اجتماعی. همه عوامل یاد شده، در جهت محدود کردن، اصلاح و کنترل انحراف از هنجارهای اجتماعی فعالیت دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۹).

در نتیجه وجود کج روی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی ظهور میکنند. آسیب‌های اجتماعی، جلوه‌های جزئی و فرعی تهدیدات هستند که در بالاترین حد، سلامت اخلاقی و نظم و امنیت عمومی جامعه را خدشه دار می‌کنند. ناهنجاری در عفاف و حجاب در جامعه اسلامی از مظاهر آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود. از سوی دیگر امنیت اجتماعی، برگرفته از نظم در اجتماع و به معنای آرامش و انتظام است؛ یعنی تبعیت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزشها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (سلیمی، ۱۳۸۰، ۱۷۳). چنین نظم و امنیتی در سایه وجود دو معیار بسیار مهم در جامعه به وجود خواهد آمد که شامل اعتماد اجتماعی مردم نسبت به نیروی انتظامی و وجود سطحی از مشارکت توسط مردم است؛ زیرا اجرای ماموریت برای هر فرد، نهاد یا سازمان نیاز به پشتوانه قوی و قابل اتکا دارد. در این رهگذر، پلیس که عمده ماموریت‌هایش برای مردم و شهروندان است و در تعامل تنگاتنگ و جدایی ناپذیر با شهروندان خود است، بیشتر به وجود احساس اعتماد از سوی مردم نیازمند است. به ویژه در کنترل عفاف و حجاب در محیط اجتماعی.

کنترل اجتماعی به سازکارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. به مفهومی دیگر، کنترل اجتماعی به مجموع عوامل

محسوس و نامحسوسی که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کج روی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود. یا کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادینی دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول از اطمینان از هم‌نوایی رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تایید، از آن استفاده می‌کند (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۲۶). کنترل اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین است که یک جامعه برای تضمین هم‌نوایی رفتاری اعضای خویش در برابر کج‌روی، با مجموعه‌ای از قواعد و اصول معین و دارای ضمانت اجرا و در اختیار دارد (سلیمی، ۱۳۸۰: ۵۸۵). طرفداران نظریه کنترل اجتماعی می‌گویند که باید به «رفتار مجرمانه» در جامعه توجه داشت نه هم‌نوایی؛ زیرا زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است. مردم فقط به این دلیل با هنجارهای اجتماعی هم‌نوایی نشان می‌دهند که جامعه قادر است رفتار آنها را کنترل کند و اگر چنین کنترلی نبود، ممکن بود «هم‌نوایی» کمی وجود داشته باشد.

دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی - نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم می‌پیوندد - قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی «رفتار مجرمانه» کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن را دارند؛ در حالی که کسانی که از اجتماع بریده‌اند، ممکن است تمایل به نقض آن مقررات را داشته باشند؛ بنابراین کج رویها و نوع کنترل اجتماعی با توجه به ساختار جامعه، شکل حکومت، فرهنگ، ساختار نهادهای اجتماعی و.. متفاوت است. در جامعه‌ی بسته‌ی روستایی که همه همدیگر را می‌شناسند و روابط بر اساس احترام است و کوچک تحت کنترل بزرگ ترها یا به عبارتی ریش سفیدان هستند، اعضای جامعه برای آنکه انگشت نما نشوند و از جامعه‌ی خود طرد نشوند، کمتر به کج روی می‌آورند. از این رو، افراد سعی دارند در چارچوب سنت و فرهنگ جامعه‌ی خود زندگی کنند (وایت، ۱۳۹۳: ۲۴۷). بر طبق این نظریه، کنترل اجتماعی به دو شکل اساسی اعمال می‌شود کنترل رسمی و غیر رسمی. در کنترل غیر رسمی نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، خانواده، مسجد و. نقش اساسی دارند؛ اما کنترل رسمی بر عهده

نهادهای حاکمیتی به ویژه نیروی انتظامی است و در پدیده بد حجابی نیز این موضوع در حیطه وظایف پلیس نهاده شده است. ماموریت اساسی پلیس در رابطه با نظم و امنیت عمومی و به ویژه پدیده‌های اجتماعی است که حساسیت‌های خاصی دارد. لذا مدیریت انتظامی با ظرافت‌هایی همراه است، به طوری که اولاً، در ماموریتها و وظایف بتواند رضایت و اعتماد مردم را جلب کند؛ ثانیاً، تعامل پویایی با سایر سازمانهای دخیل داشته باشد. نکته ای که نباید فراموش شود این است که ظرافت‌ها، فقط در مدیریت انتظامی سطح کلان نیست که در آن سطح هم حساسیت ویژه وجود دارد، بلکه در رده‌های پایین تر نیز این الزام وجود دارد. اساساً مدیریت انتظامی در سطح امنیت اجتماعی قابل طرح است. امنیت اجتماعی برگرفته از نظم در اجتماع و به معنی آرامش و انتظام است؛ یعنی تبعیت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزشها و قوانینی که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۴۲). موضوع عفاف و حجاب نیز در همین جهت پیچیدگی خاص خود را دارد، چون در این رده‌ها نیروی انتظامی عملاً در مرحله اجرا باید بتواند نظر افکار عمومی از یک سو و از سوی دیگر درخواست‌های منطقی و قانونی سازمانها و نهادهای مربوط مانند استانداران، فرمانداران، نمایندگان ولی فقیه، ائمه جمعه و جماعات و.. را جلب و در عین حال ماموریت اصلی خود را نیز دنبال کند.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: عفاف و حجاب با مقوله فرهنگ و هنجارهای فرهنگی رابطه تنگاتنگی دارد. در واقع فرهنگ هر جامعه به تدریج و به طور بطئی براساس نیاز آن جامعه شکل گرفته است (جانسون، ۲۰۰۵: ۱۸۹). به عقیده برگر و لاکمن (۱۹۷۷) نهادی شدن، فرایندی اساسی در ایجاد و پایداری رفتار است و اگر این فرایند شکل نگیرد بی‌سامانی خود را نشان می‌دهد. عوامل متعددی وجود دارد که منجر به تغییرات فرهنگی، کج رفتاریها، ناهنجاریها در جامعه و عناصر فرهنگی آن جامعه می‌شود. پارسونز، رابرت.ای. پارک، دورکیم، رایزمن، والرشتاین و همچنین رابرت مرتن درصد بررسی علل تغییرات فرهنگی و پیدایش کج رفتاریها در فرهنگ و عناصر فرهنگی جوامع بوده اند. رابرت.ای. پارک در این باره معتقد است: اساس سازمان اجتماعی، سنتها و رسوم اند. و خانواده، همسایه و جامعه جمعاً در طول دوران پایداری،

مردم را کنترل می‌کنند. شهرنشینی، صنعتی شدن و مهاجرت این گونه تاثیرات پایدارکننده را مختل کرده و اقتدار نظام‌های اجتماعی سنتی را سست کرده است. از نظر پارک، مشی جامعه نوین موجب تغییرات سریع است. این تغییرات خود موجب بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۰: ۲۲۸). نوعی بی‌سازمانی اجتماعی را که می‌توان از آن به ستیز فرهنگی یاد کرد، به گونه ای است که حداقل دو مجموعه مقررات متضاد وجود دارد که چگونگی رفتار را معین می‌کنند که در این وضعیت کنشگران با عمل کردن به یک مجموعه از هنجارها از دیگر مجموعه‌های هنجاری تخلف می‌کنند، علت ریشه ای بی‌سازمانی اجتماعی به طور کلی تغییرات اجتماعی است. همین که تغییرات روی دهد هماهنگی بخش‌های نظام اجتماعی مختل می‌شود. از پیامدهای بی‌سازمانی اجتماعی می‌توان به بی‌سازمانی شخصیتی و تعادل نداشتن نظام اجتماعی اشاره کرد که راه حل آن می‌تواند برگرداندن اجزای نظام اجتماعی به حالت تعادل باشد (گرات، ۲۰۰۶: ۳۱۰). بدحجابی و به ویژه بی‌حجابی‌های عمدی اشکال مشخصی از بی‌سازمانی اجتماعی تلقی می‌شود.

تحقیق در زمینه حجاب و بی‌حجابی و بدحجابی سابقه ای دیرینه دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بیان علل لزوم رعایت حجاب و تبیین فلسفه اجتماعی آن و به ویژه دلائل فقهی و شرعی الزامی شدن، مطالب متعددی نوشته شده است، اما مرور منابع منتشر شده در بعد از انقلاب نیز نشان می‌دهد که کمتر به سازکارهای اجرایی آن توجه شده است. در زیر به برخی از تحقیقات انجام شده اشاره می‌شود: علوی و حجتی (۱۳۸۶) در تحقیقی در پی بررسی عوامل مؤثر بر بدحجابی دانشجویان دختر دانشگاه باهنر کرمان بوده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که وضعیت دینی دانشجویان، علاقه مندی به رشته، اهمیت دادن به مدگرایی، میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی، نگرش‌های سیاسی، اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر و مادر و وضعیت اعتقادی والدین در بدحجابی دانشجویان مؤثر بوده‌اند.

فتحیه فتاحی زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت را بررسی کرده است. در این تحقیق عوامل بدحجابی و بی‌حجابی و راه‌های مبارزه با آن آمده است. محقق در تحقیق خود عوامل حجاب و بی‌حجابی را تلاش استعمار در زدودن پوشش و دگرگونی ارزشها برشمرده

و راه‌های مبارزه با بدحجابی و بی‌حجابی را تقویت ایمان و اعتقاد، احیاء فرهنگ اصیل اسلامی و شناساندن الگوهای والا ذکر کرده است.

ذوالفقاری (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «پژوهشی بر مسئله بدحجابی زنان و نحوه کنترل آن» موضوع را بر اساس این سؤال که موانع و مشکلات پیش رو در کنترل رسمی بدحجابی چیست؟ و این فرضیه که بین متولیان و مسئولان جامعه در مورد حدود حجاب و نحوه کنترل رسمی بدحجابی وحدت نظر وجود ندارد با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است. در نتیجه گیری این تحقیق آمده است که در زمینه برخوردهای سلیقه ای با پدیده بدحجابی و ابهامات قانونی، دیدگاههای گروه آماری مشترک است.

حسن بشیر (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «سیاست فرهنگی، تفاوت در بازنمایی حجاب اسلامی در رسانه‌های غرب» از طریق تحقیق کیفی و تحلیل محتوای اخبار و گزارشهای برخی رسانه‌های غربی به روش‌های گفتمانی در طرح مسائل مربوط به حجاب در بین زنان مسلمان پرداخته است. نتایج نشان داده که اینگونه روش‌های گفتمان سازی در تلاش است.

مجید مختاریان پور (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «نهادی سازی عفاف و حجاب در جامعه، رویکردی فرایندی» بر اساس نظریه‌های تفسیری به پدیده حجاب پرداخته است. وی نتیجه گرفته که نهادی کردن عفاف و حجاب طی سه مرحله برونوی کردن، عینیت بخشی و درونی کردن صورت می‌پذیرد.

سوال ها

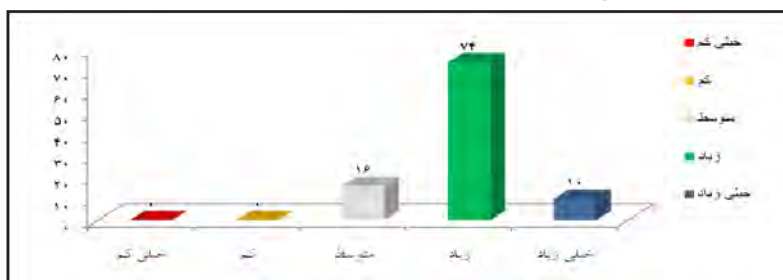
- ۱- چالشهای سازمانی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟
- ۲- چالشهای بین سازمانی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟
- ۳- چالشهای اجتماعی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟
- ۴- چالشهای حقوقی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی است. منظور از پژوهش کاربردی روشی است که برای حل مسئله اجتماعی انجام می‌پذیرد و رابطه ای منطقی بین کار پژوهش و جامعه پدیدمی آید و در نتیجه محقق در اندیشه کاربرد دستاوردها نیز قرار می‌گیرد (ساروخانی ۱۳۷۸: ۷۳). با توجه به اهداف و سؤالات طرح شده در این تحقیق روش مورد استفاده این پژوهش، توصیفی-اکتشافی است. جمع آوری اطلاعات مورد نیاز به صورت میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته به منظور سنجش اظهارات پاسخگویان انجام پذیرفت. جامعه آماری شامل فرماندهان و جانشینان انتظامی، رؤسای پاوا و امنیت اخلاقی استان و شهرستانهای تابعه استان کرمانشاه است که از این تعداد ۱۰۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش روش نمونه‌گیری، طبقه ای بوده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود. در این تحقیق از اعتبار محتوایی استفاده شده است. به همین منظور پرسشنامه تدوین شده به چند نفر از استادان و متخصصان نشان داده شده و با استفاده از نظر آنها پرسشنامه اصلاح شد. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده گردید. که میزان آن ۷۸/۸۲ استخراج شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی مانند آزمونهای کای اسکوئر و فریدمن بهره برداری شده است.

یافته ها

سؤال اول: چالشهای سازمانی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال گویه‌های چالشهای سازمانی بررسی شد که نتایج آن در نمودار (۱) آورده شده است.



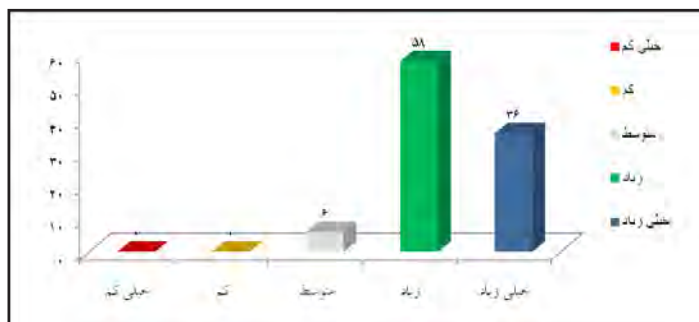
نمودار ۱: فراوانی نگرش به چالشهای سازمانی

بر اساس یافته ها ۱۶ درصد از حجم نمونه آماری، میزان چالش سازمانی فرماندهان و مدیران را در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در حد متوسط دانسته اند و ۷۴ درصد میزان این چالش را در حد زیاد و ۱۰ درصد در حد خیلی زیاد توصیف کرده اند. میانگین امتیاز داده شده به چالش سازمانی بر اساس طیف لیکرت ۳/۹۴ است. با توجه به سطح معنی دار مجاز. Sig. که برابر ۰/۰۳۴ است و از مقدار ۰/۰۵ کوچک تر است در نتیجه آنکه چالش های سازمانی در مدیریت پدیده بدحجابی معنا دار است. همچنین بر اساس نتایج آزمون فریدمن مهم ترین عامل تاثیرگذار در چالش سازمانی در استان کرمانشاه در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی به ترتیب اولویت به شرح جدول (۱) احصا شده است.

جدول ۱: عوامل تاثیرگذار در چالش سازمانی بر اساس اولویت

ردیف	مؤلفه های چالش سازمانی	امتیاز فریدمن	الویت
۱	کمبود امکانات نرم افزاری	۴/۵۹	۱
۲	ضعف انگیزش در ماموران امنیت اخلاقی	۴/۲۷	۲
۳	کمبود امکانات سخت افزاری	۴/۲۵	۳
۴	ضعف آموزش کارکنان	۴/۰۴	۴
۵	کمبود نیروی انسانی زن	۳/۷۵	۵
۶	مشکلات ساختار سازمانی کمی و کیفی	۳/۶۵	۶
۷	نبود هماهنگی سازمانی	۳/۴۲	۷

سؤال دوم: چالش های بین سازمانی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟ برای پاسخ به این سوال گویه های چالش های بین سازمانی بررسی شد که نتایج آن در نمودار (۲) آورده شده است.



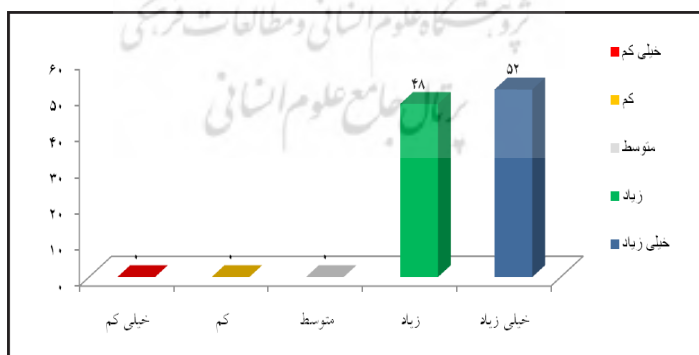
نمودار ۲: فراوانی نگرش به چالش های بین سازمانی

بر اساس یافته‌ها با توجه به سطح معنی دار که برابر ۰٫۰۰۱ است و از مقدار (۰/۰۵) کوچکتر است نتیجه آنکه چالش‌های بین سازمانی در مدیریت پدیده بدحجابی معنا دار است. همچنین بر اساس نتایج آزمون فریدمن مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در چالش بین سازمانی در استان کرمانشاه در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی به ترتیب اولویت، به شرح جدول (۲) احصا شده است:

جدول ۲: عوامل تاثیر گذار در چالش بین سازمانی بر اساس اولویت

اولویت	امتیاز فریدمن	مؤلفه‌های چالش بین سازمانی	ردیف
۱	۴/۱۰	پوشش نامناسب در ادارات دولتی و خصوصی	۱
۲	۳/۷۹	دراولویت نبودن حجاب در برنامه ریزی نهادهای مرتبط	۲
۳	۳/۵۳	ضعف هماهنگی متقابل دستگاه قضایی با ناجا	۳
۴	۳/۳۸	ضعف تعامل متقابل ناجا با سایر ادارات	۴
۵	۳/۳۷	ضعف نظارتی نهادهای سازمانی مرتبط بر تولید، توزیع و عرضه پوشاک	۵
۶	۲/۸۳	آشنا نبودن نهادهای مسئول در حجاب به وظایف خود	۶

سؤال سوم: چالش‌های اجتماعی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال گویه‌های چالش‌های اجتماعی بررسی شده که نتایج آن در نمودار (۳) آورده شده است.



نمودار ۳: فراوانی نگرش به چالش‌های اجتماعی

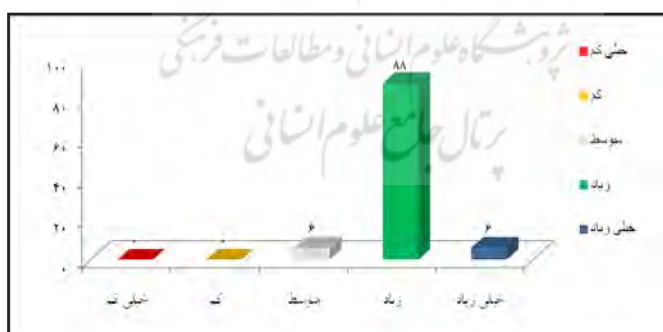
بر اساس یافته‌ها با توجه به سطح معنی دار مجاز که برابر ۰٫۰۰۳ است و از مقدار (۰/۰۵) کوچک تر است، در نتیجه آنکه چالش‌های اجتماعی در مدیریت پدیده بدحجابی معنا دار است.

همچنین بر اساس نتایج آزمون فریدمن مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در چالش اجتماعی در استان کرمانشاه در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی به ترتیب اولویت، به شرح جدول (۳) احصا شده است.

جدول ۳: عوامل تاثیرگذار در چالش اجتماعی بر اساس اولویت

ردیف	مؤلفه‌های چالش اجتماعی	امتیاز فریدمن	اولویت
۱	تاثیر فرهنگ مبتذل غرب بر خانواده	۵/۰۴	۱
۲	ضعف همکاری خانواده‌ها با ناجا	۴/۴۱	۲
۳	استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی	۴/۲۵	۳
۴	کارکرد فضای مجازی	۴/۰۹	۴
۵	ضعف نظارتی اتحادیه‌های صنفی بر عرضه پوشاک	۳/۷۱	۵
۶	تعامل ضعیف نهادهای آموزشی با ناجا	۳/۴۶	۶
۷	ضعف نظارتی اتحادیه‌های صنفی بر نحوه تولید پوشاک	۳/۰۴	۷

سؤال چهارم: چالشهای حقوقی فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی در استان کرمانشاه چیست و اولویت بندی آنها چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال گویه‌های چالش‌های حقوقی بررسی شد که نتایج آن در نمودار (۴) آورده شده است.



نمودار ۴: فراوانی نگرش به چالش‌های حقوقی

بر اساس یافته‌ها با توجه به سطح معنی دار مجاز که برابر ۰,۳۴۵ است و از مقدار ۰/۰۵ کوچک تر است، نتیجه آنکه چالش‌های حقوقی در مدیریت پدیده بدحجابی معنا دار است. همچنین بر اساس نتایج آزمون فریدمن مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در چالش حقوقی در استان کرمانشاه در

مدیریت انتظامی پدیده بدحجابی به ترتیب اولویت به شرح جدول (۴) احصا شده است.

جدول ۴: عوامل تاثیرگذار در چالش حقوقی بر اساس اولویت

اولویت	امتیاز فریدمن	مؤلفه‌های چالش حقوقی و قانونی	ردیف
۱	۴/۸۹	خلاءهای قانونی در زمینه بد حجابی	۱
۲	۴/۶۳	به روز نبودن قوانین	۲
۳	۴/۲۹	مناسب نبودن قوانین	۳
۴	۳/۹۵	نبود پیش بینی قضاات ویژه در حوزه امنیت اخلاقی	۴
۵	۳/۹۰	ذکر نکردن مصادیق بدحجابی در قانون	۵
۶	۳/۶۰	پراکندگی قوانین در زمینه بد حجابی	۶
۷	۲/۷۴	تفسیر به رأی قانون بد حجابی	۷

بحث و نتیجه گیری

سوال اصلی تحقیق حاضر این بود که چالش‌های فرماندهان و مدیران در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی در استان کرمانشاه چگونه است؟ نتایج حاصل از تحلیل‌های کل در جدول (۵) نمایش داده شده است.

جدول ۵: نتیجه تحلیل آماری سؤال اصلی

تعداد	۷۴
خی دو	۳۸/۹۴
درجه آزادی	۳
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

با عنایت به آزمون به عمل آمده، مربع کای فریدمن برای این اولویت بندی برابر ۳۸/۹۴ است و (df)، مقدار برآوردی از احتمال به دست آوردن یک آماره مربع کای به بزرگی ۳۸/۹۴ با ۳ درجه آزادی در نمونه هاست به شرط اینکه رتبه‌های هر مرحله واقعاً متفاوت نباشد. چون رخ دادن یک مربع کای ۳۸/۹۴ با ۳ درجه آزادی به صورت اتفاقی غیر محتمل است. از طرفی مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که در مقایسه مقدار مجاز (۰/۰۵) کوچک تر است، لذا فرض صفر رد و فرض یک تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم که چهار چالش اساسی در این تحقیق دارای اهمیت یکسانی

نیستند و مهم ترین چالش فرماندهان و مدیران در بعد اجتماعی است. اولویت و رتبه این چالشها به شرح جدول (۶) است.

جدول ۶: اولویت بندی چالشهای اصلی فرماندهان و مدیران
در مدیریت انتظامی پدیده بد حجابی

ردیف	چالش	امتیاز فریدمن	اولویت
۱	اجتماعی	۳/۱۳	۱
۲	بین سازمانی	۲/۷۱	۲
۳	حقوقی و قانونی	۲/۱۲	۳
۴	سازمانی	۲/۰۴	۴

بر اساس داده‌های جدول (۶) چالشهای اجتماعی مهم ترین مشکلات فرماندهان در مدیریت پدیده بدحجابی تلقی شده است. نتایج نشان داده در چالشهای اجتماعی مؤلفه تاثیر فرهنگ مبتذل غرب بر خانواده ها یکی از اساسی ترین مؤلفه هایی است که خارج از حیطه کنترل مستقیم پلیس است و روز به روز هم به دلیل نفوذ رسانه ها آثار خود را بیشتر نشان می‌دهد. این موضوع عمدتاً به صورت آسیبها و انحرافات اجتماعی و فرهنگی در عرصه جامعه ظهور و بروز می‌یابد و پلیس را نیز درگیر می‌کند. همچنین ضعف همکاری خانواده ها با ناجا یکی دیگر از مؤلفه‌های احصایی در مشکلات فرماندهان استان در زمینه بدحجابی است.

کارکرد فضای مجازی و استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی هم از دیگر مولفه‌های احصایی است که در مدیریت پدیده بدحجابی، پلیس و به ویژه فرماندهان را دچار چالشهای جدی کرده است. ضعف نظارتی اتحادیه‌های صنفی بر نحوه تولید و عرضه پوشاک و همچنین تعامل ضعیف نهادهای آموزشی مانند مدارس و انجمن‌های اولیا و مدرسه از سایر مولفه‌های استخراج شده فرماندهان انتظامی استان کرمانشاه در مدیریت پدیده بدحجابی و بی حجابی محسوب می‌شود. شایان ذکر است در مورد بررسی چالشهای فرماندهان پلیس در کنترل پدیده بدحجابی به دلیل خاص بودن موضوع در ایران، کار مشابهی در خارج از کشور صورت نگرفته و در ایران نیز در خارج از حوزه پلیس تحقیقی یافت نشد، لذا دستاورد این پژوهش بدیع بوده و نتایج آن هم نمی‌تواند مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد.

پیشنهادها

۱. معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه هماهنگیهای لازم را با صدا و سیما، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان آموزش و پرورش و سایر سازمانها و دستگاههای متولی و مسئول به صورت ویژه در خصوص معرفی و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و جذاب کردن آن با هدف تبیین نقش این مهم و نقش آن در افزایش سلامت جامعه در دستور کار خود قرار دهد.
۲. تقویت همکاری خانواده‌ها با ناجا، تقویت تعامل نهادهای آموزشی با ناجا، تبلیغات لازم برای استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی، راه اندازی سایت ملی و نظارت و فیلترینگ در فضای مجازی.
۳. تهیه و تدوین شیوه نامه ای برای ابلاغ به اتحادیه‌های صنفی جهت نظارت لازم و مستمر بر نحوه تولید، توزیع و عرضه پوشاک.
۴. در اولویت قراردادن موضوع حجاب و عفاف در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی کشور برای مقابله با روند فزاینده بدحجابی.
۵. ابلاغ روشهای اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع لباس و پوشش افراد در بخشهای رسمی و اداری کشور.
۶. نظارت بر رعایت حریم حجاب و عفاف در سازمانهای دولتی و عمومی و نظارت و تأکید بر ضرورت رعایت سادگی و پوشش و فرمهای اسلامی و حضور ساده و بی آرایش در محیط کار به دلیل تأثیر منفی بر مراجعات.
۷. تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب برای ترویج فرهنگ عفاف منطبق با فرهنگ دینی و ملی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ترویج الگوهای مناسب پوشش اسلامی توسط نهادهای الگو ده.
۸. اصالت بخشی به فرهنگ عفاف از طریق محصولات متنوع فرهنگی، هنری متناسب.
۹. در جلسه شورای تامین استان و شهرستانهای تابعه استان کرمانشاه موضوع مطرح شود و در حوزه ناجا و دادگستری تصمیماتی دال بر پیش بینی قضاوت ویژه در حوزه امنیت اخلاقی اتخاذ شود تا از برخورد سلیقه ای با ناهنجاریهای پدیده بد حجابی و جرائم مشابه جلوگیری شود

تا از بازدارندگی لازم برخوردار باشد. همچنین گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- بشیر، حسن (۱۳۹۰) «سیاست فرهنگی تفاوت در بازنمایی حجاب اسلامی در رسانه‌های غرب». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳ (۴).
- جلیلوند، شیرین (۱۳۷۶) بررسی مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزشهای اجتماعی. پایان نامه ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد.
- حسینی، سیدمجتبی (۱۳۸۹) احکام نگاه پوشش. تهران: دفتر نشر معارف.
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۹۱) پژوهشی بر مسئله حجاب زنان و نحوه کنترل آن. پایان نامه کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین: تهران.
- ذوالفقاری، حسین و حسین محبوبی منش (۱۳۹۱) پژوهشی بر مسأله بدحجابی زنان و نحوه کنترل آن. تهران: انتشارات آوای دانش گستر.
- رضائیان، علی (۱۳۷۰) اصول مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ستوده، هدایت ا. (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی کج روی. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروسستانی، رحمت ا. (۱۳۸۵) آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات آن.
- علوی و حاجتی (۱۳۸۶) بررسی عوامل موثر بر بدحجابی دانشجویان دختر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- عمید، حسن (۱۳۶۰) فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- مختاریان پور، مجید و اسدالله گنجعلی (۱۳۹۰) «نهادسازی عفاف و حجاب در جامعه: رویکردی فرایندی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴ (۳).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) مسأله حجاب. تهران: صدرا.
- مطهری، علی (۱۳۸۸) حجاب در اسلام. تهران: انتشارات بنیاد.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی امنیت. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۸۳) جرم و جرم‌شناسی، نظریه‌های جرم و کج روی. مترجم: علی سلیمی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- وثوقی، منصور و علی اکبرنیک خلق (۱۳۸۴) مبانی جامعه‌شناسی. نشر دوران.
- مصطفی نژاد، حسن (۱۳۸۹) الگوئی برای مدیریت انتظامی بحرانهای قومی ایران. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی تهران.

منابع انگلیسی

- Cornelius, Kern (1999), Discipline: training the mind to manage, sage pub.
johnson, Alain (2005), Administering Discipline, managing smart, water book press
Grote, Matt, (2006), The Role Of Discipline, Lyotord pub
Berger , P.L.& Luckmann, T (1977) The Social Construction of Reality, A Treatise in the Sociology of Knowwledge, New York, Pengin

